

واکاوی شاخصه‌های حکمرانی شایسته بر مبنای نهج البلاغه

اصغر طهماسبی بلداجی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱۸

چکیده

حکمرانی شایسته از اهداف تمامی انبیاء علیهم‌السلام بوده که در آموزه‌های دین اسلام اهمیت آن به غایت خود رسیده است. در عصر حاضر توجه به شاخصه‌های مهم حکمرانی شایسته براساس آموزه‌های دینی و الگو قرار دادن آن حائز اهمیت است که می‌تواند، نقش الگو دهی به حکومت‌های اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر آموزه‌های امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه به شاخصه‌های مهم حکمرانی شایسته در ابعاد مختلف می‌پردازد و از این رهگذر شاخصه‌های این حکمرانی را در ابعاد: معرفتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. نتیجه آن که تعمق و تفقه در سیره حکومتی امام علی علیه‌السلام این رهاوردهای مهم را نشان می‌دهد که اولاً: حکمرانی شایسته در نهج البلاغه مبنای محوری الهی دارد و اصل شکل‌گیری آن در جهت احیای دین و فرامین الهی است، ثانیاً: این حکمرانی تک بعدی نبوده بلکه تمامی جوانب زندگی بشر را در بر می‌گیرد و با مولفه‌های متعدد، جامعه را به سمت و سوی حیات طیبه رهنمون می‌سازد، ثالثاً: براساس آموزه‌های نهج البلاغه، حکمرانی شایسته با حکومت‌های بشری و سلطنتی کاملاً متمایز بوده و هدف اصلی آن سعادت و کمال انسان‌هاست بر این اساس چیدمان این حکومت از زندگی کارگزاران تا چگونگی اداره حکومت بر مبنای اخلاق الهی بوده که با رویکرد انجام وظایف متقابل مردم و رهبر جامعه اسلامی به غایت خود می‌رسد.

واژگان کلیدی

امام علی علیه‌السلام، سیاست اسلامی، حکمرانی شایسته، نهج البلاغه.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان گروه معارف اسلامی (tahmasebiasghar@yahoo.com).

مقدمه

انسان خلقی مدنی الطبع دارد و از همان آغاز حیات، زندگی بر پایه اجتماع بنا نهاده است. زندگی در پرتو اجتماع و خرد جمعی نیز ساز و کارهای خاص خود را داشته و نیازمند انسجام اجتماعی در پرتو نظارت جامع است. قرآن کریم از پیامبران به عنوان کسانی یاد می‌کند که نقش جهت‌دهندگی به جامعه را داشتند و بر آن شدند تا اختلاف و تفرقه را از جامعه بر اندازند:

﴿كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه﴾ (بقره: ۲۱۳).

در این آیه مبارک نقش کلیدی انبیاء علیهم‌السلام در حل اختلاف از جامعه کاملاً آشکار است بنابراین طبق این آیه مبارک می‌توان از انبیاء به عنوان اولین کسانی یاد نمود که جامعه را در فرایند نظام و شاکله خاص هدایتی و اجتماعی قرار داده‌اند. قرآن کریم از انبیائی یاد می‌کند که خداوند به آنان مقام خلافت بخشید تا در زمین به حق حکمرانی کنند:

﴿يا داود إنا جعلناك خليفة في الأرض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله﴾ (ص: ۲۶).

این آیه مبارک نگاهی کلی بر شاخصه حکمرانی شایسته دارد و حکمرانی براساس حق را برجسته‌ترین شاخصه در این باره معرفی می‌نماید. بنابراین اصل تشکیل حکومت و نظام دهی به جامعه از مبانی قرآنی در این باره است. به لحاظ عقلی نیز بشر برای ادامه حیات و زندگی اجتماعی لاجرم به حکومتی نیاز دارد تا به جامعه سامان دهد و نظم در آن حکم فرما شود. امام علی علیه‌السلام وجود حکومت را چه فاجر و چه مؤمن از لوازم زندگی بشری بیان می‌دارد:

وإنه لا بد للناس من أمير بر أو فاجر يعمل في إمرته المؤمن ويستمتع فيها الكافر و يبلغ الله فيها الأجل و يجمع به الفء و يقاتل به العدو و تأمن به السبل و يؤخذ به للضعيف من القوى حتى يستريح بر و يستراح من فاجر (شريف رضى، ۱۴۰۴ق: خطبه ۴۰).

مفهوم این سخن امام این است که اگر حکومت لازمه زندگی بشر است چه بهتر که این حکومت اصل و اساسی الهی داشته باشد تا فرامین الهی در این حکومت اجرا شود و حق به حق دار برسد. در موارد متعدد امام علی علیه‌السلام شاخصه‌های حکمرانی شایسته را بر می‌شمرد. حکومت چندین ساله امیرمؤمنان علیه‌السلام خود نمودی عینی از اینگونه حکومت است که دوست و دشمن به آن اذعان نموده‌اند. نهج البلاغه تجلی‌گاه سیره علمی و عملی امام علی علیه‌السلام به

خوبی نماینگر شاخصه‌های حکمرانی شایسته است که توجه به آنها در الگوگیری از آن و تبیین سیره علوی در این باره حائز اهمیت است. بنابراین این مقاله با این رویکرد و با محوریت نهج البلاغه به شاخصه‌های حکمرانی شایسته در ابعاد مختلف می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع مقاله حاضر پژوهش‌های متعددی نگاشته شده که هر کدام از زاویه‌ای به این مهم پرداخته‌اند؛ برخی از پژوهش‌ها با نگاهی موردی به یکی از جنبه‌های حکمرانی شایسته در حیطه پاسخگوئی پرداخته‌اند. مولف در این پژوهش سعی کرده است که شاخصه پاسخگوئی را که از شاخصه‌های حکمرانی شایسته است از قرآن و نهج البلاغه بیان کند (آل کجیباف، ۱۳۹۱). «تدوین الگوی رفتاری کارگزاران در حکمرانی مطلوب از دیدگاه امام علی علیه السلام براساس متن نهج البلاغه» از دیگر پژوهش‌های مرتبط در این باره است که نگارندگان این اثر تلاش نموده‌اند تا شاخصه‌های حکمرانی شایسته را از منظر کارگزاران آن مورد تحلیل و بررسی قرار دهند و در این باره نگره‌های نهج البلاغه را بیان کنند (پورعزت و همکاران: ۱۳۹۵). «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا» از دیگر پژوهش‌های مرتبط در این باره است که تلاش نموده تا شاخصه‌های حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه را فرازمانی و فرامکانی نشان دهد (سردار نیا و شاکری، ۱۳۹۳). این پژوهش ضمن توجه به پژوهش‌های مرتبط، متمایز از این پژوهش‌ها نگاشته شده است که با رویکردی جامع، نگاهی کلی به شاخصه‌های مهم حکمرانی شایسته داشته که این شاخصه‌ها نقش کلیدی و اساسی در سعادت و کمال هر حکومت و جامعه‌ای در هر عصر و مصری هستند؛ از سوی دیگر مؤلفه‌های راهبردی این شاخصه‌ها را در ابعاد مختلف بر مبنای نهج البلاغه مورد تحلیل و بررسی قرار داده است که می‌توان از برآیند این پژوهش، شاکله کلی و منسجم حکمرانی شایسته را بیان نمود.

شاخصه‌های حکمرانی شایسته

حکمرانی شایسته حکومتی تک بعدی نبوده بلکه تمام جوانب زندگی را در بر می‌گیرد؛ به عبارتی دیگر حکمرانی شایسته حکمرانی همه‌جانبه است در این حکمرانی فقط شرایط مادی و اقتصادی مدنظر نیست بلکه شرایط اقتصادی و مادی وسیله‌ای است برای بهبود زندگی تا انسان‌ها به هدف غائی خلقت که همان قرب خداوند است نائل گردند. در ادامه مهم‌ترین شاخصه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. شاخصه‌های معرفتی

حکمرانی شایسته‌ای که مورد توجه خداوند سبحان است، حکمرانی براساس فرامین الهی است. به عبارتی حکومتی که محوریت در آن خداوند باشد. ممکن است برخی از حکومت‌ها شاخصه‌های مطلوبی در ابعاد گوناگون داشته باشند اما زیربنا و اساس این حکومت‌ها خداوند نیست، قرآن کریم به این موارد اشاره می‌کند آن‌جا که می‌فرماید: ﴿و ما کان ربک لیهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون﴾ (هود: ۱۱۷) ممکن است اهل منطقه‌ای دیندار نباشند ولی اهل اصلاح باشند که همین اصلاح‌شان باعث می‌شود که بر آنان عذاب نازل نگردد. اما در حکمرانی شایسته با محوریت الهی، اصل و اساس و مبنای آن حکومت برای خدا و به خاطر خداوند است و اصل شکل‌گیری آن برای اجرای فرامین الهی است. شاخصه‌های معرفتی حکمرانی شایسته حاکی از این مطلب هستند که در ادامه با محوریت نهج‌البلاغه مورد اشاره قرار می‌گیرند:

خداپاوری و خدامحوری

حکمرانی شایسته مبنای الهی دارد، اصل هدف شکل‌گیری حکومت الهی اجرای فرامین الهی است؛ حاکم حکومت الهی با حکومت سلطنتی، پادشاهی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. حکومت الهی در اسلام براساس منفعت‌طلبی و رسیدن به جاه و مقام نیست که این مورد جز از راه تضييع حقوق مردم و ظلم و ستم به دست نمی‌آید، حکومت الهی در اسلام بر مبنای اجرای فرامین الهی در جامعه و رهانیدن مردم از بی‌عدالتی و تاریکی‌های جهل و نادانی است؛ سیره حکومتی پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیه السلام به طور مطلق گویای این مطلب است. امام علی علیه السلام در نهی مردم از برخورد غیر الهی با ایشان و تبیین ویژگی حاکم اسلامی می‌فرماید:

پس با من چنان‌که با سرکشان گویند سخن مگوئید و چونان که با تیزخویان کنند از من کناره مگوئید و با ظاهرارای آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید، و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آن‌کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است (شهیدی، ۱۳۷۸ش: ۲۲۵).

در این کلام امام ویژگی خود را به عنوان حاکم الهی به دور از سیره پادشاهان و زورگویان معرفی می‌کند. در نگاه امیرمؤمنان علیه السلام حکومت الهی مبتنی بر باورهای توحیدی و برای خدا و برپایی دین خداست (شریف رضی، ۱۴۰۴ق: خطبه ۱۳۱). امام علی علیه السلام درباره این رویکرد و

اهداف توحیدی خویش از حکومت می فرماید:

اللهم إنك تعلم أنه لم يكن الذي كان منا منافسة في سلطان ولا التماس شيء من فضول الحطام ولكن لنرد المعالم من دينك ونظهر الإصلاح في بلادك فيأمن المظلومون من عبادك و تقام المعطلة من حدودك (همان).

ایشان وجود امام عادل از جانب خداوند را عاملی در احیای سنت های الهی و از بین بردن بدعت ها بیان می نماید (همان: خطبه ۱۶۴). از سوی دیگر تشکیل حکومت الهی علاوه بر کمک به هدایت مردم و تبیین راه سعادت برای آنها، به اجرای احکام و حدود الهی نیز کمک می نماید. این مهم یکی از مهم ترین شاخصه های حکمرانی شایسته است که پایه و اساس آن باور توحیدی و اعتقاد به خداوند سبحان است.

حکمرانی مبتنی بر اخلاق الهی

یکی از مهم ترین مبنا های اساسی حکومت اسلامی، حکمرانی مبتنی بر اخلاق است. در اسلام سیاست بر پایه صداقت و دوری از ظلم و فریبکاری بنا شده است؛ نفاق و نیرنگ و رسیدن به منافع در پرتو مسائل سیاسی در آموزه های اسلامی مردود قلمداد گردیده است؛ امام علی علیه السلام در خطاب به معاویه و سیاست مبتنی بر فریب کارانه و نفاق او می فرماید:

به خدا سوگند، معاویه زیرک تر از من نیست، لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنهکاری است. اگر پیمان شکنی ناخوشایند نمی نمود، زیرک تر از من کس نبود، اما هر پیمان شکنی به گناه برانگیزاند، و هرچه به گناه برانگیزاند دل را تاریک گرداند. روز رستاخیز پیمان شکن را درفش است افراخته و او بدان درفش شناخته. به خدا، مرا با فریب غافلگیر نتوانند کرد و با سختگیری ناتوانم نتوانند شمرد (شهیدی، ۱۳۷۸ ش: ۲۳۶).

در این کلام امام سیاست مبتنی بر فریب کاری و نفاق را غیر اخلاقی و گناه معرفی می کند. امام سیره حکومتی خود را به دور از پنهان کاری و دروغ بیان می کند سیاستی سالم و مبتنی بر اخلاق: «و الله ما كتمت و شمة و لا كذبت كذبة» (شریف رضی، ۱۴۰۴ ق: خطبه ۱۶). امام در موارد گوناگون در دستور به کارگزاران خود اخلاق محوری در سیاست را توصیه می نماید (همان: نامه ۵۳/۵۰) بنابراین حکمرانی مبتنی بر اخلاق از مهم ترین و ضروری ترین شاخصه های حکمرانی شایسته است.

۲. شاخصه های سیاسی

سیاست در حکمرانی شایسته سیاستی دور از نفاق و ظلم و ستم است. سیاست در حکمرانی

شایسته در چارچوب آموزه های الهی است و رهبر چنین حکومتی جز از راه حق و برای حق راهی دیگری اتخاذ نمی کند. شاخصه های سیاسی حکمرانی شایسته در سطوح داخلی و بین المللی مورد استناد است برخی از مهم ترین شاخصه های سیاسی در این باره عبارتند از:

اجرای همه جانبه عدالت

یکی از مهم ترین شاخصه های سیاسی جامعه اسلامی که در آموزه های دینی بر آن تأکید شده است، اجرای عدالت است. از مهم ترین فلسفه های بعثت انبیاء، برقراری عدالت اجتماعی بوده است قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب إن الله قوی عزیز﴾ (حدید: ۲۵).

از فلسفه های مهم بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اجرای قسط و عدالت بوده است:

﴿قل أمر ربی بالقسط﴾ (اعراف: ۲۹).

برقراری عدالت میان مردم یکی از نیازهای اساسی بوده و همواره بشر در زندگی خود به این مهم محتاج بوده است، امام صادق علیه السلام یکی از نیازهای همه مردم را عدالت بیان می نماید:

ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرأ إليها الأمن و العدل و الخصب (حرانی، ۱۴۰۲ق: ۳۲۰).

در جامعه اسلامی عدالت حاکمان یکی از ضروریات حکومت اسلامی است. سیره علمی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه ای تام از عدالت محوری و اجرای عدالت بود (کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۲، ۶۷۱). سیره امام علی علیه السلام نیز به تاسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمونه تام از عدالت خواهی و عدالت محوری بود، امام علی علیه السلام در چند سال خلافت خود همواره بر عدالت ورزی و عدالت خواهی تأکید داشتند و یکی از اصلی ترین دلایل قبول خلافت را گرفتن حق مظلومان و برخورد با ظالمان بیان می کنند (شریف رضی، ۱۴۰۴ق: خطبه ۳). امام برپایی حق و عدالت را دوست داشتنی تر از هر چیزی بیان می داشت:

و الله لی أحب إلی من إمرتکم إلا أن أقیم حقاً أو أدفع باطلا (همان: خطبه ۳۳).

امام علی علیه السلام در هیچ شرایطی تسلیم مصلحت اندیشی و فدا نمودن عدالت نشدند، ایشان همواره بر عدالت خواهی و پایداری بر آن استقامت داشتند و در همین رابطه می فرماید:

مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم؟ به خدا که،

نپذیرم تا جهان سرآید، و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم که چنین تقسیم سزاست تا چه رسد که مال، مال خداست (شهیدی، ۱۳۷۸ش: ۱۲۴).

در فرهنگ علوی عدالت به خاطر آثار قابل توجهی که دارد مورد توجه قرار گرفته است؛ آثاری که به لحاظ دنیوی و اخروی در جامعه اسلامی هویدا می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۷، ۸۳؛ آمدی، ۱۳۷۹ش: ۵۰؛ شریف رضی، ۱۴۰۴ق: حکمت ۷۴۳). اصل عدالت در فرهنگ علوی بر پایه عدالت حاکمان (شریف رضی، ۱۴۰۴ق: خطبه ۲۱۶) و عدالت‌محوری با مردم (همان: نامه ۲۷) استوار است. امام علی علیه السلام درباره اجرای همه‌جانبه عدالت و کمک به محرومان می‌فرماید:

وایم الله لأنصفن المظلوم من ظالمه ولأقودن الظالم بحزامته حتی أوردنه منهل الحق وإن کان کارها (همان: خطبه ۱۳۶).

امام همواره کارگزاران خود را به عدالت و انصاف با مردم دستور می‌داد و از آنان می‌خواست که با مردم به عدالت و انصاف برخورد نمایند (همان: نامه ۵۳). از نظر امام علی علیه السلام عدالت اصلی است که جامعه را قوام می‌بخشد، به اعتدال می‌رساند و سلامت، آسایش و آرامش آن را تضمین می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸ش: ۱۱۲). بنابراین از شاخصه‌های مهم حکمرانی شایسته اجرای عدالت است، عدالتی که به تعبیر امام علی علیه السلام هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد:

العدل یضع الأمور مواضعها و الجود یخرجها من جهتها و العدل سائس عام و الجود عارض خاص فالعدل أشرفهما و أفضلهما (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۴۳۷).

تشکیل حکومت اسلامی و وجود حاکم عادل یکی از مهم‌ترین مبانی اجرای عدالت اجتماعی است.

ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های سیاسی دین اسلام قیام برای خداوند و نابودی ظلم و ستم و طاغوت بیان شده است. قرآن کریم مؤمنان را بر قیام برای خداوند تشویق نموده است:

﴿قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی و فرادی﴾ (سبا: ۴۶).

قیام برای خداوند مهم‌ترین نتیجه‌اش نابودی ظلم و ستم است که به فراخور آن بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و سیاسی از بین می‌رود. در نهج البلاغه در موارد متعدد به ظلم‌ستیزی و

مبارزه با ظلم به عنوان یکی از شاخصه‌های سیاسی حکمرانی شایسته اشاره شده است؛ امام علی علیه السلام در وصیت به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم می‌فرماید:

و کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا (شریف رضی، ۱۴۰۴ق: نامه ۴۷).

امام علی علیه السلام مبارزه با ظلم و ستم و گرفتن حق مظلوم را از مهم‌ترین دلایل پذیرش خلافت بیان می‌کند که این مطلب ظلم‌ستیزی و دفاع از حقوق مظلومان را به عنوان مبنای مهم سیاست اسلامی بیان می‌کند:

أما و الذی فلق الحبة و برأ النسمة لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما أخذ الله علی العلماء ألا یقاروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لأتقیت حبلها علی غارها و لسقیت آخرها بکأس أولها (همان: خطبه سوم).

امام سیره حکومتی خود را گرفتن حق مظلوم از ظالم بیان می‌کند آن‌جا که می‌فرماید:

الدلیل عندی عزیز حتی أخذ الحق له و القوی عندی ضعیف حتی أخذ الحق منه (همان: خطبه ۳۷).

مبارزه با ظلم و ستم ابعدی دارد که می‌تواند داخلی یا خارجی باشد؛ آنچه که در این باره در فرهنگ علوی مورد تأکید قرار گرفته است روحیه ظلم‌ستیزی و عدم همیاری و همکاری با ظالمان است.

توجه به وظایف متقابل مسئولان و مردم

مردم و زمامداران جامعه دو رکن به هم پیوسته هر حکومتی هستند که در حکومت اسلامی این دو از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند به گونه‌ای که رابطه دو سویه و متقابل میان آنها برقرار است. در نهج البلاغه و آموزه‌های علوی به وظایف متقابل مسئولان جامعه و مردم توجه شده و مسئولیت‌های هر کدام در تعالی و سعادت جامعه بیان گردیده است. امام علی علیه السلام یکی از عوامل سعادت مردم را صلاحیت حکومت بیان می‌نماید، ایشان درباره حقوق متقابل رهبر و مردم می‌فرماید:

و بزرگ‌ترین حق‌ها که خدایش واجب کرده است، حق والی بر رعیت است، و حق رعیت بر والی، که خدای سبحان آن را واجب نمود، و حق هر یک را به عهده دیگری واگذار فرمود (شهیدی، ۱۳۷۸ش: ۲۴۹).

امام در ادامه حقوق متقابل والی و مردم بر یکدیگر و رعایت آن را برقراری پیوند و عزت دین بیان می‌نماید:

فجعلها نظاما لألفتهم و عزا لدينهم (همان).

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه این شاخصه سیاسی جامعه اسلامی را اینگونه بیان می‌نماید که صلاح و سعادت رعیت و والی هر دو در گرو یکدیگر است؛ درستکاری والی و رعیت و استقامت و پایداری هر دو گروه در این باره شرط صلاح و کمال جامعه است:

فليست تصلح الرعية إلا بصلاح الولاية ولا تصلح الولاية إلا باستقامة الرعية (همان).

رعایت وظایف رعیت و والی نسبت به یکدیگر آثار و نتایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متعددی دارد که امام به برخی از آنها اشاره می‌نماید از جمله این که: حق عزتمند می‌شود، راه‌های دین پدیدار می‌گردد؛ عدالت برقرار می‌شود؛ سنت حق آن چنان که شایسته است اجرائی می‌شود:

فإذا أدت الرعية إلى الولاية حقه و أدى الولاية إليها حقه عز الحق بينهم و قامت مناهج الدين و اعتدلت معالم العدل و جرت على أذلالها السنن (همان).

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه به رهاوردهای غائی انجام وظایف متقابل مردم و رهبر اشاره می‌کند که اگر به درستی اجرا شوند، نتایج ارزشمندی به دنبال دارند از جمله: پایداری حکومت و ناامیدی دشمنان از دست‌یابی و غلبه بر آن:

فصلح بذلك الزمان و طمع في بقاء الدولة و يئست مطامع الأعداء (همان).

امام در ادامه به نقطه مقابل و متباین مدینه فاضله یعنی مدینه جاهله اشاره می‌کند که در آن حقوق متقابل رهبر و مردم ادا نمی‌شود و یا يك سويه عمل می‌گردد؛ که نتیجه نهایی آن از بین رفتن دولت و ناامنی و عدم سعادت و کمال در جامعه است (همان). امام علی علیه السلام در هر فرصتی جامعه خویش را با حقوق متقابل زمامداران و مردم آشنا می‌کرد و حدود آن را تبیین می‌نمود تا همگان در مرزهای حقوق یکدیگر حرکت نکنند و حریم آن را پاس بدارند. از مهم‌ترین سیاست‌های امیرمؤمنان علی علیه السلام سوق دادن جامعه و حکومت به حقوق‌مداری بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷ش: ۱۳۲). توجه به حقوق متقابل مردم و زمامداران جامعه عامل مهم در تعالی و شکوفایی آن جامعه در حیطه‌های مختلف خواهد بود. تبیین و نهادینه‌سازی این مهم در جامعه به اعتماد متقابل مردم و مسئولان منجر می‌شود و شرایط حل اختلافات در پرتو

این اعتماد را فراهم می‌نماید.

انتخاب کارگزاران شایسته و نظارت بر آنان

جامعه اسلامی بدون وجود قوانین و مجریان قانون نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد بنابراین در پهنه وسیع جامعه اسلامی علاوه بر وجود رهبر دینی و جامع الشرایط وجود کارگزاران و مجریان قانون نیز ضروری است. در آموزه‌های اسلام در انتخاب شایسته‌ترین افراد در مناصب حکومتی و اجرائی جامعه اسلامی تأکید شده است. وجود عناصر فاسد در جامعه اسلامی و مناصب حکومتی و قضائتی یعنی سوق دادن جامعه الهی به سوی جامعه طاغوتی و شیطانی که به جای اجرای فرامین الهی، فرامین شیطانی و شهوتی اجرائی می‌شود. پیدایش حزب‌بازی‌های سیاسی، پارتی‌بازی و... تماماً در تعارض با روح معارف اسلامی است که نه تنها سعادت جامعه را به ارمغان نمی‌آورد که مایه افول و سقوط آن نیز می‌شود. بنابراین توجه به دو عنصر تعهد دینی - اخلاقی و تخصص منصبی و شغلی از مهم‌ترین مواردی است که برای انتخاب مسئولان باید در نظر داشت. مبنای این نگرش، قرآن است؛ حضرت یوسف علیه السلام وقتی پیشنهاد خزانه‌داری را به پادشاه مصر می‌دهد دو ویژگی تعهد و تخصص را برای خود برمی‌شمارد و خود را شایسته قبول آن منصب معرفی می‌نماید:

﴿قال اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظ عليم﴾ (یوسف: ۵۵).

سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز توجه تام به این دو عنصر و انتخاب شایستگان برای مناصب حکومتی را بیان می‌دارد و به جهت همین انتخاب‌ها، مخالفت‌های زیادی با آنان می‌شد. امام علی علیه السلام در خطاب به مالک‌اشتر از وی می‌خواهد که بهترین افراد را که از جهت علم و دلسوزی شاخص‌تر هستند به عنوان مسئولان انتخاب نماید:

و باید گزیده‌ترین سران سپاه نزد تو آن بود که با سپاهیان یار باشد و آنان را کمک‌کار، و از آنچه دارد بر آنان ببخشد چندان که خود و کسان‌شان را که به جای نهاده‌اند شاید، تا عزم همگی‌شان در جهاد با دشمن فراهم آید (شهیدی، ۱۳۷۸: ۳۳۱).

در جای دیگر به ویژگی‌های مسئول و حاکم اسلامی اشاره می‌نماید که توانایی و علم از مهم‌ترین شاخصه‌ها در این باره بیان شده است:

ای مردم! سزاوار به خلافت کسی است که بدان تواناتر باشد، و در آن به فرمان خدا داناتر (همان: ۱۷۹).

امام علی علیه السلام در ابعاد مختلف ویژگی‌های مهم کارگزار و مسئول جامعه را بیان می‌دارد:

ساده‌زیستی و سبک زندگی همچون مردم عادی جامعه (همان: خطبه ۲۰۹)، ثبات شخصیت در هنگام قدرت و ثروت و توجه به امور مردم (همان: نامه ۵۰)، آگاهی کامل از مشکلات مردم و مردمی بودن (همان: نامه ۵۳) خوشرفتاری با مردم و تواضع در برابر آنان (همان)، مساوات با همگان و عدم تفاوت قائل شدن میان آنها حتی در نگاه کردن (همان) و اهتمام کامل به عدالت و برپایی حق (همان) از مهم‌ترین ویژگی‌های کارگزاران حکمرانی شایسته است که امام علی علیه السلام در موارد متعدد بر آن تأکید نمودند. علاوه بر انتخاب شایسته در کارگزاران حکومت، امام علی علیه السلام نظارت دقیق و منسجمی بر آنان داشته است. به عبارتی انتخاب مسئول يك قسمت قضیه است و نظارت بر آنان قسمت دیگر؛ که این دو رکن در حکومت امام علی علیه السلام به طور شایسته و بایسته انجام می‌شد. یکی از واژگانی که در نامه‌های نهج البلاغه مشاهده می‌شود عبارت «فقد بلغنی» است که این عبارت نشان می‌دهد که امام بر امور کارگزاران خود نهایت نظارت را داشته است آن هم در عصری که خبری از تکنولوژی‌های امروزی نبوده است. امام با این نظارت دقیق عیوب کارگزاران خویش را متذکر می‌شد و آنان را امر به اصلاح می‌نمود؛ نامه به محمدبن ابی بکر (همان: نامه ۳۴)، نامه به برخی از کارگزاران (همان: نامه ۴۰)، نامه به عثمان به حنیف والی بصره (همان: نامه ۴۵)، نامه به عبدالله بن قیس (همان: نامه ۶۳) و نامه به سهل بن حنیف انصاری (همان: نامه ۷۰) از جمله نامه‌هایی بوده که به خوبی نمایانگر این است که امام نهایت دقت و نظارت را بر امور کارگزاران خود داشته است. بنابراین انتخاب کارگزاران شایسته که مسئولیت‌های مهم جامعه را بر عهده بگیرند و نظارت دقیق بر آنان از شاخصه‌های مهم حکمرانی شایسته در بعد سیاسی است.

مدارا با مخالفان و جذب آنان

هر حکومتی در مسیر خود با مخالفانی مواجه است که قسمتی از جامعه را شکل می‌دهند. نحوه برخورد با مخالفان در حکمرانی شایسته حائز اهمیت است. در حکمرانی شایسته هدف قلع و قمع و رسیدن به حکومت در پرتو کشت و کشتار نیست، بلکه هدف اصلی در حکمرانی شایسته سعادت و کمال جامعه است. در حکمرانی شایسته تا آن جا که مصلحت جامعه و مردم در خطر نیفتد روش این حکومت مدارا با مخالفان و جذب و هدایت آنان است؛ این مهم در سیره امام علی علیه السلام متجلی است. پس از شورش اصحاب جمل و جنایت‌های آنان در بصره، زمانی که امام به سمت این گروه حرکت می‌کند رفاعه بن رافع درباره تصمیم امام درباره آنان

سؤال می‌کند و امام در پاسخ می‌فرماید: آن چه نیت کرده ام و تصمیم بر انجامش دارم، اصلاح است و از حق به اندازه‌ای به آنان می‌بخشیم تا راضی شوند در غیر این صورت از خود دفاع می‌کنیم (ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱۴، ۱۷). امام علی علیه السلام با یادآوری حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله به زبیر (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۹۲)؛ یادآوری حدیث غدیر به طلحه^۲ (فیروزآبادی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۳۵۳)؛ ارشاد و هدایت آنان با قرآن (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳۶)؛ نصیحت دلسوزانه (ابن قتیبه ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۹۵) و امان نامه دادن و تضمین امنیت آنان (همان: ۳۶۵) سعی نمودند تا این گروه را از فرجام بدشان بازگرداند و مانع از شکل‌گیری جنگ شود. امام علی علیه السلام قبل از شروع جنگ در نامه به طلحه و زبیر از آنان می‌خواهد که از کار خود توبه نماید:

كنتما بايعتماني طائعين فارجعا و توبا إلى الله من قريب (شريف رضى، ۱۴۱۴ق: نامه ۵۴).
در جنگ صفین که در باطل بودن طرف مقابل هیچ شك و تردیدی وجود نداشت، امام از راه‌های متعدد سعی نمودند شامیان ناآگاه را بیدار نمایند. در همین جنگ زمانی که یاران امام لعن دشمن را شروع نمودند، راهبرد تربیتی امام برای یاران و رویکرد غائی صلح برای هدایت دشمنان نمایان می‌شود؛ امام به جای لعن دشمنان، راهبرد مهم دعا را فراروی یاران خود می‌گذارد، زمانی که اتمام حجت و موعظه و نصیحت تأثیر نگذاشته باز هم امام راهبرد نهایی برای هدایت این گروه را به یاران خود تعلیم می‌دهد که این راهبرد را می‌توان، بن‌مایه تمام حقوق بشر پنداشت، امام علی علیه السلام از یاران خود می‌خواهد برای هدایت آنان و تبدیل جنگ به صلح دعا نمایند این هدایت آن قدر مهم است که امام حتی در دعا هم بر آن تأکید می‌کند آن‌جا که می‌فرماید:

إني أكره لكم أن تكونوا سبابين و لكنكم لو وصفتهم أعماهم و ذكرتم حالهم كان أصوب في القول و أبلغ في العذر و قلت مكان سبكم إياهم اللهم احقن دماءنا و دماءهم و أصلح ذات بيننا و بينهم و اهدهم من ضلالتهم حتى يعرف الحق من جهله و يرعوى عن الغي و العدوان من لهج به (همان: خطبه ۲۰۶).

۱. «يا زبير إنك تقاتل عليا و أنت له ظالم؟ قال: اللهم نعم، قال علي علیه السلام: فعلى م تقاتلنى؟ قال الزبير: نسيتها و الله لو ذكرت ما خرجت اليك و لا قاتلتك».

۲. «روى بسنده عن رفاعة بن أبياس الضبى عن أبيه عن جده قال: كنا مع علي علیه السلام يوم الجمل فبعث إلى طلحة بن عبيد الله أن القنى، فأتاه طلحة فقال: نشدتك الله هل سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟ قال: نعم، قال: فلم تقاتلنى؟ قال: لم أذكر، قال: فانصرف طلحة».

در جنگ نهروان نیز امام علی علیه السلام با اندرز و استدلال، اشتباه خوارج را متذکر و متنبه شدند. تلاش امام قبل از شروع جنگ برای هدایت این گروه و تقدیم صلح بر آن منجر به هدایت هشت هزار نفر از خوارج می‌شود آن‌گونه که ابن اعثم گزارش می‌دهد تنها چهار هزار نفر از سپاه دوازده نفری خوارج در مقابل امام ایستادند و بقیه هدایت شدند (ابن اعثم، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۲۷۰). این گزارش‌ها به خوبی نشان می‌دهد که غایت امر در حکمرانی شایسته سعادت و نجات انسان‌ها با هر مسلک و مذهبی است. نکته قابل تذکر در این باره این است که مدارا با مخالفان به معنای فرصت دادن به آنان در جهت نابودی جامعه و حکومت نیست، بلکه مراد مخالفانی است که با فرصت‌دهی و انعطاف و رویکرد جاذبه‌ای امکان هدایت و بازگشت آنان از مسیر اشتباه وجود دارد.

۳. شاخصه‌های اجتماعی

نحوه حکومت در حکمرانی شایسته مبتنی بر تکامل جامعه است؛ غایت این مهم ترسیم مدینه فاضله و جهت‌دهی افراد این جامعه به سمت و سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی است. یکی از مهم‌ترین مواردی که در نهج البلاغه به آن اشاره شده مبحث نظم در کارها است:
 أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم أمرکم (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: نامه ۴۷).

نظم به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود است؛ در مبحث شاخصه‌های اجتماعی حکمرانی شایسته نیز همین مطلب حکمفرماست به این معنا که در جامعه اسلامی هر چیز در جای خود قرار دارد و وظایف مرتبط به خود را به درستی انجام می‌دهد؛ برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی حکمرانی شایسته بر مبنای نهج البلاغه عبارتند از:

اهتمام به آراء مردم

یکی از شاخصه‌های اجتماعی حکمرانی شایسته، توجه به مردم و نظرات آنان است. اصل تشکیل حکومت اسلامی برای سعادت مردم است. فلسفه بعثت انبیاء و تلاش و کوشش آنها تماما جهت اصلاح جامعه و سعادت و کمال انسان‌ها بوده است. مشورت با مردم و دخیل نمودن نظرات آنها اوج دموکراسی اسلامی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اوج علم و دانش و فهم قرار دارد اما با وجود این با مردم در کارهای اجتماعی و سیاسی مامور به مشورت می‌شود:

﴿فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف

عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الأمر فی‌اذا عزمتم فتوکل علی الله إن الله یحب المتوکلین» (آل عمران: ۱۵۹).

توجه به مردم و نظرات آنها تا آن جا اهمیت دارد که امام علی علیه السلام یکی از دلایل قبول خلافت را حضور حاضران (مردم) بیان می‌نماید (شریف رضی، ۱۴۰۴ق: خطبه سوم). امام علی علیه السلام در موارد متعدد با گروه‌های مختلف مردم مشورت می‌نمود و نظرات آنان را جویا می‌شد (همان: نامه ۵۰). امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر ضمن تأکید بر توجه به آراء مردم و نظرات آنان از مشورت نمودن با افراد بخیل، ترسو و حریص باز می‌دارد (نک: همان: نامه ۵۳) به عبارتی امام در این نامه حد و ثغور توجه به آراء مردم و چگونگی مشورت با آنان را بیان می‌کند هم چنان که از مشورت با افراد فاقد صلاحیت نیز منع می‌نماید. بنابراین توجه به آراء مردم و اهمیت به نظرات آنان از شاخصه‌های حکمرانی شایسته در بعد اجتماعی است.

هدایت و تعالی جامعه

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی شایسته در ارتباط با جامعه، هدایت و تعالی افراد جامعه است؛ هدف از ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی همین مسئله بوده و این یکی از شاخصه‌های مهم حکومت الهی است (نحل: ۳۶). قرآن کریم هدف بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تزکیه و تعلیم انسان‌ها معرفی می‌کند (جمعه: ۲). غایت سیاست اسلامی سوق دادن جامعه به سمت و سوی مدینه فاضله یا همان حیات طیبه‌ای است که قرآن وعده آن را به مؤمنان می‌دهد؛ به همین جهت از اهداف تشکیل حکومت الهی فراهم نمودن بستر هدایت و سعادت افراد جامعه است. سیره حکومتی امام علی علیه السلام نیز مبتنی بر همین اصل بود و امام هدف غائی و نهایی خود را هدایت مردم و رهانیدن آنان از شرک و گمراهی بیان می‌کند. ایشان حق مردم بر خود را تعلیم و تادیب آنان بیان می‌کند:

مردم مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم، و حقی را که از بیت المال دارید بگذارم، شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایید، و آداب آموزم تا بدانید (شهیدی، ۱۳۷۸ش: ۳۶).

هدایت و راهنمایی و رهانیدن از جهل و نادانی تنها اختصاص به گروه خاصی از جامعه ندارد بلکه همه اقشار جامعه با مشارب فکری گوناگون را در بر می‌گیرد؛ این مهم در سیره حکومتی امام مشهود است؛ امیرمؤمنان علیه السلام علت تأخیر در جنگ با شامیان را هدایت و راهنمایی آنان بیان می‌کند تا با تأخیر در جنگ افرادی که هنوز در گمراهی هستند هدایت

گردند و در جهل و نادانی کشته نشوند:

و أما قولكم شكاً في أهل الشام فوالله ما دفعت الحرب يوماً إلا وأنا أطمع أن تلحق بي طائفة فتهتدي بي و تعشوا إلى ضوئي و ذلك أحب إلي من أن أقتلها على ضلالها و إن كانت تبوء بآثامها (شريف رضى، ١٤٠٤ق: خطبه ٥٥).

این سیره حکومتی امام يك شاخصه مهم اجتماعی - سیاسی را بیان می‌کند که حتی جهاد در راه خدا به تأخیر می‌افتد تا مگر کسی از گمراهان راه هدایت را پیدا نماید و در گمراهی از دنیا نرود. بنابراین اهتمام به تعلیم جامعه در سطوح مختلف و اهمیت دادن به سعادت مردم از شاخصه‌های مهم اجتماعی - فرهنگی حکمرانی شایسته است.

تأمین امنیت جامعه

برقراری امنیت در هر جامعه‌ای چه مسلمان و غیرمسلمان از لوازم لاینفک در آن جامعه است. جامعه‌ای که در آن امنیت نباشد آسیب‌ها و مشکلات فراوانی فرا روی مردم آن جامعه قرار می‌گیرد و زندگی مبتنی بر نشاط و جاذبه از آن جامعه رخت بر می‌بندد. در آموزه‌های دین اسلام بر اهمیت امنیت تأکید بسیار شده است چنانچه در روایتی از پیامبر رحمت بر اهمیت این نعمت تأکید شده است:

نعمتان مكفورتان الأمن و العافية (صدوق، ١٣٦٢ش: ج ١، ٦٢).

تأمین امنیت در جامعه یکی از مهم‌ترین وظایف هر حکومتی است که در حکمرانی شایسته از شاخصه‌های اساسی در این باره است. امام علی علیه السلام یکی از اهداف حکومت خود را تأمین امنیت برای مظلومان بیان می‌کند: «فیأمن المظلومون من عبادك» (شريف رضى، ١٤١٤ق: خطبه ١٣٠) امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر تأکید می‌کند که در صورتی که صلح به سود مسلمانان و جامعه اسلامی باشد آن را بر جنگ ترجیح دهد چرا که یکی از آثار مهم صلح و ترجیح آن بر جنگ امنیت و آرامش اجتماعی است:

فإن في الصلح دعة لجنودك و راحة من همومك و أمناً لبلادك (همان: نامه ٥٣).

به لحاظ روان‌شناختی نبود آرامش در جامعه به معنای بروز بیماری‌های روانی است که روح و روان انسان را خدشه‌دار می‌کند و آسیب‌های متعدد به وجود می‌آورد. بی‌شک امنیت اجتماعی آثار فراوانی در جامعه دارد که جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی از مهم‌ترین آنها خواهد بود.

۴. شاخصه‌های اقتصادی

یکی از لوازم لاینفک زندگی هر انسانی مبحث اقتصاد و تأمین نیازهای زندگی می‌باشد؛ اقتصاد سالم و اسلامی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی شایسته هست بر همین اساس در آموزه‌های امام علی علیه السلام اصل اقتصاد اسلامی در سطح خرد و کلان آن بیان شده است. هدف اقتصاد اسلامی تأمین آسایش عمومی، رفع فقر و عدالت اقتصادی از یک سو و استقلال اقتصادی از سوی دیگر است و غایت آن وسیله‌ای برای رسیدن به خداوند و تحقق بخشیدن به آرمان‌های حکومت اسلامی است.

مبارزه با مفساد اقتصادی

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت اسلامی مبارزه با مفساد اقتصادی در جامعه است. مفساد اقتصادی مصادیق متعددی دارد که در هر جامعه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد. مفساد اقتصادی در تعارض با اقتصاد اسلامی هستند و به اقتصاد سالم و پویا ضربه می‌زنند. تجارت ناسالم و کسب درآمد حرام از مهم‌ترین مصادیق مفساد اقتصادی هستند. در نهج‌البلاغه از مهم‌ترین مفساد اقتصادی در جامعه، احتکار است. احتکار در شرایط حساس می‌تواند آسیب‌های جدی به اقتصاد خانواده و جامعه وارد کند؛ علی‌الخصوص در زمان تحریم‌های اقتصادی که احتکار توسط برخی سودجویان زیاده‌تر می‌شود. امام علی علیه السلام در دستور به کارگزاران در برخورد با محتکر می‌فرماید:

از احتکار نهی کن و پس هرکس مرتکب آن شد تنبیه بدنی کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار کرده او را مجازات کن (حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ۲۷۷).

در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر، امام از وی می‌خواهد که با آسیب‌های اقتصادی در جامعه برخورد نماید از جمله: احتکار و گرانفروشی، چرا که این موارد نظم اقتصادی جامعه را برهم می‌زند و باعث ضربه زدن به اقتصاد مردم می‌شوند ایشان در این باره می‌فرماید:

و اعلم مع ذلك أن في كثير منهم ضيقا فاحشا و شحا قبيحا و احتكارا للمنافع و تحكما في البياعات و ذلك باب مضرّة للعامة و عيب على الولاية فامنع من الاحتكار فإن رسول الله صلى الله عليه وآله منع منه و ليكن البيع بيعا سمحا بموازين عدل و أسعار لا تحجف بالفريقين من البائع و المشتاع فمن قارف حكرة بعد نهيك إياه فنكل به و عاقبه [من في غير إسراف] (شريف رضى، ۱۴۱۴ق: نامه ۵۳).

علاوه بر این تأکیدات مطابق برخی روایات حضرت نیز شخصا با مفسدان اقتصادی برخورد

می نمودند (ابن حزم الاندلسی، ۱۴۰۸ ق: ج ۷، ۵۷۳). در سیره علمی امام علی علیه السلام نیز روایات متعددی درباره نهی از اقتصاد ناسالم و توجه به انضباط اقتصادی بیان شده است (آمدی، ۱۳۷۹ ش: ۳۰۴). آسیب‌های اقتصادی در جامعه، باعث تشویش بازار اقتصادی و عدم ثبات قیمت در جامعه می‌گردند. گرانفروشی، احتکار و ربا علاوه بر ترویج فرهنگ اقتصاد ناسالم در جامعه، باعث افزایش فاصله طبقاتی و ضربه زدن به قشر فقیر و متوسط می‌شوند. اختلاس در سطح کلان موجب ضربه زدن به اقتصاد کشور و اتلاف بیت‌المال می‌گردد که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز آسیب‌هایی به همراه دارد. وضع قوانین منسجم در این باره و تقویت ارگان‌های نظارتی و اجرایی در بازار و سیستم اقتصادی، می‌تواند به تقلیل آسیب‌های اقتصادی در این باره کمک نماید که این مهم از شاخصه‌های حکمرانی شایسته است.

حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر

یکی از مهم‌ترین وظایف اقتصادی حکومت اسلامی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است چرا که جامعه دارای لایه‌ها و طبقاتی است که قشر فقیر و محروم یکی از آنهاست. اسلام برای رفع مشکل این طبقه راهکارهایی دارد که مهم‌ترین آنها صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش: ج ۱۷، ۲۱۹). فقر در یک نگاه کلی دو آسیب جدی با خود به همراه دارد، یک به لحاظ فردی که شخص فقیر ممکن است به لحاظ ایمانی به وادی کفر و ضلالت کشیده بشود و اعمال ناشایستی از جمله دزدی و... را انجام دهد؛ به لحاظ اجتماعی نیز فقر علاوه بر مشکلات اقتصادی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی به همراه می‌آورد و باعث می‌شود جامعه به مسیر کمال و سعادت رهنمون نگردد و بی‌امینتی و عدم آرامش در جامعه حکمفرما باشد به علت این آثار سوء فقر می‌باشد که بر مذمت آن در فرهنگ علوی تأکید شده است. امام علی علیه السلام فقر را بزرگ‌ترین مرگ قلمداد می‌کند (شریف رضی، ۱۳۷۰ ش: حکمت ۱۶۳) و آن را مایه سرگردانی عقل و علت دشمنی می‌داند (همان: حکمت ۳۱۹). به همین جهت یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی شایسته مبارزه با فقر و برقراری عدالت بیان شده است. در آموزه‌های امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه و موارد دیگر برای ریشه‌کن کردن فقر در جامعه سه راهکار اساسی بیان شده است:

راهکار اول: در رابطه با فقرا می‌باشد که به آنها تأکید می‌کند که در هر شرایطی به کار سالم روی آورند و از تنبلی و سستی بپرهیزند (نک: آمدی، ۱۳۷۹ ش: ۵۹۷). به عبارتی کسانی که

توانایی کار دارند و ناتوان جسمی نیستند، به کار و تلاش و کسب حلال روی آورند هم‌چنان‌که وظیفه حکومت اسلامی نیز در مرحله اول کمک اشتغالی به فقیران است نه کمک مالی، به این معنا که شرایط ایجاد کار را برای نیازمندان فراهم نماید تا نیازی به کمک مالی نداشته باشند.

راهکار دوم: در رابطه با ثروتمندان است که با انفاق مال خود فقر را ریشه‌کن کنند؛ انفاق مال علاوه بر این‌که از هرگونه خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌نماید، باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاوید خداوند متعال خواهد شد و می‌تواند یکی از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب باشد؛ در فرهنگ علوی بر اهمیت انفاق و آثار آن توجه ویژه‌ای شده است (قرشی، ۱۳۷۷ش: ج ۱، ۴۹۹). امام علی علیه السلام در سفارش به مستمندان و رفع نیازهای آنان و همچنین آثار کمک به نیازمندان می‌فرماید:

و إذا وجدت من أهل الفاقة من يحمل لك زادك إلى يوم القيامة فيوافيك به غذا حيث تحتاج إليه فاغتنمه و حمله إياه و أكثر من تزويده و أنت قادر عليه فلعلك تطلبه فلا تجده (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۳۱).

این سخن امام حاکی از انفاق و توجه به نیازمندان است. از وظایف مسئولان در حکمرانی شایسته نظارت دقیق بر جمع‌آوری انفاق و رساندن آنها به مستمندان است. **راهکار سوم:** در فرهنگ علوی برای ریشه‌کن شدن فقر، وظیفه دولت نسبت به نیازمندان است. امام در این باره در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد:

و إن لك في هذه الصدقة نصيبا مفروضا و حقا معلوما و شركاء أهل مسكنة و ضعفاء ذوی فاقة و إنا موفوك حقا فوفهم حقوقهم و إلا تفعل فإنك من أكثر الناس خصوما يوم القيامة (همان: نامه ۲۶).

وظیفه حکومت اسلامی در هر سه مورد از این راهکارها مشهود است؛ اول فراهم نمودن زمینه کار و اشتغال در جامعه و مبارزه با بیکاری، دوم جمع‌آوری انفاق و صدقات از مردم و تقسیم آنها میان مستمندان و سوم کمک مستقیم خود حکومت اسلامی به خانوارهای نیازمند با مقرر نمودن سهمی از بیت‌المال برای این قشر از جامعه. بنابراین با اجرائی کردن این اصول در رابطه با فقرا بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی رفع می‌شود و امنیت و آرامش در جامعه بیشتر می‌گردد که این مهم از اهداف مهم در حکمرانی شایسته است.

نتیجه‌گیری

براساس مطالب پیش گفته مهم‌ترین رهیافت‌های مقاله را می‌توان در موارد زیر فهرست نمود:

حکمرانی شایسته حکمرانی است که تمام ابعاد زندگی انسان را در بر بگیرد و همه این ابعاد را به سوی يك هدف الهی سمت و سو بدهد؛ بر همین اساس در آموزه‌های دینی حکمرانی شایسته حکومتی تك بعدی یا چند بعدی نبوده بلکه حکومتی همه‌جانبه است که به تمام ابعاد جامعه سمت و سو می‌دهد و آن را در مسیر کمال و سعادت رهنمون می‌سازد. حکمرانی شایسته براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه دارای ابعاد مختلف است که شاخصه‌های معرفتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین آنها هستند.

حکمرانی شایسته از منظر امام علی علیه السلام مبنا و اساس آن برای خداوند و اجرای آموزه‌های الهی است به این صورت که این شاخصه‌ها به ابعاد دیگر نیز سمت و سو و رنگ الهی می‌دهد. امام علی علیه السلام هدف حکومت خویش را بر پایی دین خدا و اجرای احکام الهی و کمک به مظلومان بیان می‌دارد که این موارد به خوبی الهی بودن حکومت و برای خدا بودن آن را بیان می‌دارد. حکمرانی شایسته به دور از نفاق و سیاست‌های دروغین است بلکه چون محوریت در آن خداوند است، اخلاق مبتنی بر باورهای توحیدی اصل و اساس این حکومت است.

شاخصه‌های سیاسی حکمرانی شایسته ابعاد متعددی دارد که هر کدام بر محوریت فرامین الهی است. برقراری عدالت اجتماعی، مبارزه با ظلم و ستم و حمایت از مظلومان، توجه به وظایف متقابل مسئولان و مردم و توجه به تعهد و تخصص در انتخاب مسئولان از مهم‌ترین این شاخصه‌ها هستند که این شاخصه‌ها نظام‌دهنده به شاکله کلی سیاست داخلی و خارجی حکمرانی شایسته هستند.

شاخصه‌های اجتماعی انسجام میان فرد و جامعه هستند که علاوه بر جهت‌دهی به جامعه و شاخصه‌های اجتماعی، زندگی فردی را با زندگی اجتماعی پیوند می‌دهند. در نهج‌البلاغه شاخصه‌های متعدد اجتماعی برای حکمرانی شایسته بیان شده است. اهتمام به آراء مردم، تقویت اتحاد و یکپارچگی در جامعه و هدایت و تعالی جامعه از مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی هستند که تعالی و سعادت جامعه را به دنبال دارند و جامعه را چونان اعضای بدن انسان در يك مجموعه قرار می‌دهند.

اقتصاد و شاخصه‌های اقتصادی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی شایسته است. در

حکومت الهی تمامی تلاش حاکم اسلامی برای از بین بردن فقر و فاصله طبقاتی است. فقر فی‌النفسه دارای آثار سوء اجتماعی و فرهنگی است که در حکمرانی شایسته تلاش جهت ریشه‌کن نمودن و یا حداقل تقلیل آن از مهم‌ترین برنامه‌های این حکومت است. در نهج‌البلاغه شاخصه‌های متعدد اقتصادی برای حکمرانی شایسته بیان شده است که تقویت استقلال اقتصادی، مبارزه با مفساد اقتصادی و کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه از مهم‌ترین این شاخصه‌ها هستند. توجه به این شاخصه‌ها در جهت‌دهی اقتصاد اسلامی و رفع فقر و فاصله طبقاتی و انسجام اقتصادی جامعه حائز اهمیت هستند.

حکومت چندساله امام علی (علیه السلام) پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمودی تام از شاخصه‌های حکمرانی شایسته است که نمودهای آن در نهج‌البلاغه و سیره امام علی (علیه السلام) نمایان است. بر همین اساس توجه به این شاخصه‌ها و تبیین و نهادینه سازی خرد و کلان آن در عصر حاضر در جهت تقویت شاخصه‌های مطلوب در حکومت و جامعه حائز اهمیت است که می‌تواند به تعالی و سعادت حکومت و جامعه کمک نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، فخرالدین ابو حامد عبدالحمید (بی تا)، شرح نهج‌البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان.
۳. ابن حزم الاندلسی، ابومحمد (۱۴۰۸ق)، المحلی بالاثار، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، الامامه و السیاسه، بیروت: دارالاضواء.
۵. ازدی کوفی، احمد بن اعثم بن نذیر بن حباب بن کعب (۱۴۰۶ق)، الفتوح، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۶. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، دلائل النبوة، بیروت: دارالنفائس، سوم.
۷. آل کجیباف، حسین (۱۳۹۱ش)، «حکمرانی مطلوب از منظر قرآن و نهج‌البلاغه با تاکید بر پاسخگویی»، فصل‌نامه مطالعات قرآنی، پیاپی ۱۰.
۸. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۹ش)، غررالحکم و دررالكلم، قم: انتشارات محدث، اول.
۹. پورعزت، علی اصغر و همکاران (۱۳۹۵ش)، «تدوین الگوی رفتاری کارگزاران در حکمرانی

مطلوب از دیدگاه امام علی علیه السلام براساس متن نهج البلاغه، فصل نامه مدیریت در نیروی
انتظامی، پیاپی ۱۳.

۱۰. حجاج نیشابوری، مسلم بن (بی تا)، صحیح، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲. حرانی، محمد بن شعبه (۱۴۰۲ق)، تحف العقول، تهران: انتشارات اسلامیة.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷ش)، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. دیلمی، حسن بن علی (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی.
۱۵. سردارنیا، خلیل الله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳ش)، «تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا»، فصل نامه مطالعات حقوقی، سال ششم، شماره ۴.
۱۶. شریف رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی (۱۴۰۴ق)، نهج البلاغه، قم: انتشارات هجرت.
۱۷. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۸ش)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۸. عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه (بی تا)، تفسیر نورالثقلین، قم: مطبعة العلمیه.
۱۹. قریشی، شریف (۱۳۶۶ش)، کار و حقوق کارگر، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲ش)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مرزبان، حسین؛ استادزاد، علی حسین (۱۳۹۴ش)، «تأثیر تحریم های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم یافته تصادفی»، فصل نامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره ۶۳.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره، قم: کنگره شیخ مفید.